



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا(ع)

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

- وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

- گروه تلگرام پژوهش خبری صداوسیما <https://telegram.me/pajooreshkhabar>

باسمه تعالی

تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا(ع)^۱

دکتر حسن مجیدی دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

چکیده

از ویژگی‌ها و نقاط بارز سیره امام رضا(ع) مواجهه ایشان با نمایندگان ادیان و مذاهب گوناگون در قالب مناظره‌هایی است که برخلاف اهداف مأمون، خلیفه عباسی، از برگزاری آنها، به عرصه‌ای برای دفاع از مرزهای اعتقادی اسلام، امامت و عقاید به‌حق شیعه و به‌ویژه اثبات صلاحیت و حقانیت امام برای امامت و خلافت تبدیل شد. استحکام در استدلال، استناد امام به منابع دست‌اول ادیان ابراهیمی و احاطه ایشان بر زبان، تفاسیر و دقایق کتب مقدس این ادیان از شگفتی‌های این مناظره‌هاست که کاملاً با موفقیت امام و شکست طرف‌های مناظره همراه بود.

در این مقاله کوشیده‌ایم به این پرسش‌های مشخص پاسخ دهیم که از منظر تحلیل گفتمان، مناظره‌های امام رضا(ع) با دیگران چگونه تحلیل می‌شود؟ بهره‌گیری از این روش چه زوایایی از منظر زبانی و موقعیت طرف‌های گفتگو می‌گشاید؟ ویژگی‌ها و ظرفیت‌های مناظره‌های امام رضا(ع) به منزله‌شکلی از ارتباط کلامی و تبلیغ دینی چیست؟

هدف ما این است که با پاسخ به این پرسش‌ها از منظر متفاوت به این مناظره‌ها بنگریم و با بهره‌گیری از توانایی‌های تحلیل گفتمان انتقادی در قالب متغیرها و مقوله‌های عملیاتی، این مناظره‌ها را موشکافانه بررسی کنیم. دقت در مناظره‌های امام با نمایندگان ادیان و فرق دیگر با تمرکز بر مقوله‌ها و واژگان، چشم‌انداز، استعاره، انسجام تاریخی، نقل قول و تأکید ساختاری نشان‌دهنده این واقعیت است که امام با وجود اثبات حقانیت و ابطال مدعیات طرف‌های مناظره، از منازعه اخلاق‌گریز گفتمانی، برحذر مانده و در کمال صراحت، دقت، ادب و احترام، نفس این مناظره‌ها را به عرصه‌ای برای اثبات امامت و خاتمیت پیامبر اسلام تبدیل کرده‌اند.

واژگان کلیدی: امام رضا(ع)، مناظره، امامت، تحلیل گفتمان.

^۱ این مقاله در شماره دو فصلنامه فرهنگ رضوی به چاپ رسیده است

مقدمه

در لغت‌نامهٔ دهخدا واژهٔ «مناظره» به معنای با هم نظر کردن، فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی، با هم بحث کردن است. واژه‌ای عربی است که پارسی آن هم و ویژگی‌های معنی با هم گفتگو کردن است (loghatnameh.org).

«مناظره» نظر است به بصیرت از جانب مستدل وسایل در نسبت واقعه میان دو چیز از برای اظهار صواب و نظر به بصیرت قید می‌شود. مناظره کردن، مباحثه و مجادله کردن و بحث و گفتگوست. مناظره عبارت از توجه متخصصین در اثبات نظر خود دربارهٔ حکمی از احکام و نسبتی از نسبت‌ها برای اظهار و روشن کردن حق و صواب و بالاخره مناظره بحث باشد در مسائل مختلف فیه و ایراد نظیر بالنظیر و مقابل بالمقابل و آن یا مأخوذ از نظیر است یا از نظر است و یا به معنی توجه نفس است در معقولات یا به معنی مقابله است (loghatnameh.org). از نظر اصطلاحی مناظره نوعی گفتگو و مکالمه است که در آن دو طرف گفتگو می‌کوشند با بهره‌گیری از اصول پذیرفته شدهٔ طرف مقابل، دیدگاه و نظر خود را اثبات کنند و عقیدهٔ باطل طرف را آشکار کنند به وجهی که وی نتواند آن را انکار کند. این امر به درستی در مناظره‌های امام با نمایندگان ادیان و فرق دیگر اسلامی آشکار است.

دوران حیات امام رضا(ع) دوران نشاط علمی و تضارب آرا و دیدگاه‌ها میان فرق گوناگون درون اسلام و نیز افزایش ارتباطات فرهنگی با دیگر جوامع است. مأمون، خلیفهٔ عباسی، هم با درخواست از رومیان برای ارسال آثار فلاسفهٔ یونانی و امر به ترجمهٔ آنها، به افزایش فضای نقد و گفتگو کمک کرد؛ چه از حیث گفتگوی درون تمدنی و چه ارتباط جهان اسلام با سایر ملل. یکی از ویژگی‌های شاخص عصر امام رضا(ع) تکرر در فکر، عقیده و مذهب میان دانشمندان و حتی عوام است که بخش عمده‌ای از این اختلاف‌ها در عملکرد خلفای عباسی به‌خصوص مأمون ریشه داشت. شکل‌گیری و رشد نهضت ترجمه به خواست مأمون، گسترش بی‌سابقهٔ سرزمین‌های اسلامی و ورود افراد تازه‌مسلمان و طرح سؤال‌ها و شبه‌ها، محرومیت مردم از

معارف حقیقی اسلام به دلیل جنایت‌های عباسیان بر ائمه موجب گسترش انحراف‌ها، التقاط و عقاید باطله در میان مسلمانان شد (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۸۹).

اگرچه نمی‌توان اهداف سیاسی را از این اقدام مأمون از نظر دور داشت، اما به هر ترتیب نمی‌توان منکر این واقعیت شد که تلاش مأمون برای حضور امام رضا(ع) در مناظره‌های گوناگون با نمایندگان سایر فرق و مسالک درون اسلام و مناظره با نمایندگان سایر ادیان، فرصت مناسبی را فراهم آورد تا بُعد علمی امامت امام رضا(ع) برخلاف انتظار و هدف مأمون، آشکارتر شود و شهرت و حقانیت امام رضا(ع) ابعاد جهانی به خود بگیرد.

البته محدود بودن وسایل ارتباطی آن زمان مانع از آن می‌شد که تأثیرات توفیق امام رضا(ع) فراگیرتر و پایدارتر شود، اما حضور صاحبان فکر و اندیشه در دربار مأمون که محل برگزاری بیشتر این مناظره‌ها بود، بار دیگر منزلت امام را به مثابه ذخیره الهی و معدن علم الهی اثبات کرد. اگر بخواهیم مجاهدت علمی امام رضا(ع) را در نشر معارف و اصلاحات فکری و اعتقادی دسته‌بندی کنیم، با اندکی تساهل می‌توانیم بگوییم که مباحث عقیدتی امام پیش از دوران ولایتعهدی بر محور رد شبهات، رفع اختلاف‌های درون‌دینی و اشاعه معارف مکتب اهل بیت و تشیع سامان یافته بود. اما نگاهی به مناظره‌های حضرت با مخالفان مسلمان و غیرمسلمان در دوره ولایتعهدی این مطلب را روشن می‌کند که بنا به مقتضیات جایگاه ولایتعهدی و نیز شرایط اجتماعی- سیاسی آن دوران، شاخصه دفاع از اسلام در مقابل مکاتب و مذاهب انحرافی و التقاطی بسیار پررنگ بوده است (همان: ۱۳۹۱). البته علامه مجلسی مناظره‌های امام در بصره را که با چند تن از نمایندگان ادیان مختلف صورت گرفته مربوط به قبل از عزیمت امام به سوی خراسان دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۸۰).

نکته مهم و درخور توجه اینکه در مناظره‌های امام رضا(ع) با نمایندگان سایر ادیان برای اثبات حقانیت اسلام و رد عقاید باطل مسیحیان، یهودیان و زردشتیان، ایشان به کتب مقدس آنها استناد می‌فرمودند. این گفتگوهای انتقادی در تاریخ حیات ائمه که در این حجم و با این دقت

بی نظیر است، می‌تواند الهام‌بخش شیعیان عصر حاضر در مواجهه با نمایندگان سایر ادیان و آیین‌ها باشد.

همچنین، امام هشتم در مواردی که امکان اقامه ادله نقلی و استناد به آیات و کتب آسمانی مقبول دیگر ادیان نداشتند، متوسل به ادله عقلی و منطقی (بدون تأثیرپذیری از فلسفه یونانی) می‌شدند و ابعاد دیگری از خرد ناب را برای اقناع طرف‌های مناظره نشان می‌دادند. اگر متکلمان و فلاسفه اسلامی این خط را دنبال میکردند، شاید نیاز چندانی به بهره‌گیری از فلاسفه مغرب‌زمین پیدا نمی‌کردند. می‌توان گفت «هدف از مناظره‌های امام رسیدن به فهمی انتقادی و روشن از موضوع بحث، ارتقای خودآگاهی فرد شرکت‌کننده در مباحثه و ایفای نقش تسریع‌کننده برای کمک به مخاطب است تا به روش آگاهانه‌تری به مباحث نگاه کند» (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۰).

از میان ارتباطات انسانی، ارتباطات میان‌فردی (متقابل) با شیوه مناظره علمی امام معصوم انطباق بیشتری دارد؛ شیوه‌ای که اصل آن بر منحصر به فرد دانستن خصوصیات رفتاری طرفین ارتباط است.

مناظره نیز ابزاری اقناعی در ارتباطات میان‌فردی با ماهیت تعاملی است که اغلب به سمت تبدیلی شدن نیز سوق می‌یابد... به نظر می‌رسد در دیدگاه امامان معصوم اقناع به عنوان بروز تغییر اندیشمندان، آگاهانه و اختیاری در مخاطب دنبال شده و دیدی انسانی در جهت مصالح مخاطب به وی داشته‌اند (سپنجی و مؤمن‌دوست، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۲).

امام رضا(ع) در برخورد با اندیشمندان با برهان و دلیل سخن می‌گویند و این ترجمان قرآن است که: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم باللّتی هی احسن» (نحل/ ۱۲۵).

امام برهان کامل است، حجت‌الله است و در برخورد با مردم که اهل استدلال و برهان نیستند، با موعظه و خطابه و با مخالفان با جدال احسن و دلیل اینکه به شعر و مغالطه اشاره نکردند،

شاید این باشد که اولاً قیاس‌های شعری و مغالطه در شأن حجت خدا نیست، ثانیاً قیاس‌های شعری و مغالطه، علم‌آور و یقینی نیست (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۰).

به هر حال، می‌توان گفت فضای مناظره که عرصه مناسبی برای اثبات خود و نفی دیگری است، این امکان را فراهم آورد تا در اثبات حقانیت امام به خلیفه عباسی، شیعه به اهل سنت، مذهب امامت در مقایسه با معتزله، مذهب اسلام در مقایسه با ادیان ابراهیمی دیگر مانند: مسیحیت، یهودیت و صابئین، حقانیت اسلام در مقایسه با زردشتی‌گری و در نهایت حقانیت الوهیت در مقایسه با مادی‌گری و الحاد، مناظره‌های امام با نمایندگان سایر ادیان را به فرصتی تبدیل کرد که عقاید کلامی حقیقی اسلام برای همگان ارائه شود. «دفاع عقلانی از دین در مناظره‌های امام رضا(ع) حکایت از جایگاه ارزشمند عقل و خرد در سیره رفتاری حضرت دارد... هر سخن حضرت در خصوص اثبات مدعای خود، با اصل یا اصول منطقی همراه بوده است» (اسکندری، ۱۳۹۱: ۲۲-۲۵).

با این حال، امام ضمن ارج نهادن به منزلت عقل به مثابه مرجع استدلال‌ها و احتجاج‌های عقلی، این نکته را رهنمون می‌شوند که دین خدا با عقول بشری مستقیم نمی‌شود. اما از آنجا که طرفین مناظره امام مدعی خرد و دانش بودند، امام در مجادله‌ها با ایشان طوری بحث را پیش می‌بردند که چاره‌ای جز پذیرش موضع امام پیدا نمی‌کردند.

این مقاله درصدد است تا با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک، به بررسی وجوه زبانی مناظره‌های امام رضا(ع) با نمایندگان ادیان و فرق گوناگون بپردازد؛ با این ملاحظه که امام معصوم برخلاف انسان‌های مادی‌گرا در پی اثبات خود با نفی دیگری، بزرگ‌نمایی و غیریت‌سازی‌غیرواقعی از دیگری، تحریف یا جابه‌جا کردن سخن یا پاره حقیقت‌گویی و تأثیر از ساخت قدرت نبوده‌اند. از این رو، برخی از مقوله‌ها و مفاهیم عملیاتی در تحلیل گفتمان انتقادی این مناظره‌ها از شأن و موقعیت امام به دور است، اما کاوش مقوله‌های دیگر در این مناظره‌ها ابعاد تازه‌ای از این گفتگوهای تاریخی را به خواننده ارائه می‌کند. همه استنادها به

محتوای مناظره‌ها از کتاب ارزشمند مناظرات تاریخی امام رضا(ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر نوشته آیت‌الله مکارم شیرازی برگرفته شده است.

اصول و ویژگی‌های مناظره‌های امام رضا(ع)

از جمله ویژگی‌های مناظره‌های امام رضا(ع) «خطاب توأم با عقل و دین و تحریک وجدان، رعایت منطق صواب، نظم منطقی در گفتار، توجه به محتوای پیام گوینده، رعایت حد سخن و پرهیز از درازگویی و حاشیه‌روی، مستندگویی است» (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۵).

الزام طرف مناظره با استفاده از دانسته‌های مردم، بهره‌گیری از تمثیل و تشبیه، برانگیختن نیروی خرد طرف مناظره، اثبات وجهه عقلانی احکام و اهمیت تفکر، اجازه پرسش و آزادی بحث، تأکید بر رعایت انصاف، تکیه بر دلایل متقن به جای استفاده از شیوه مغالطه، احترام و تکریم متقابل، بیان اصول و معیاری کلی و عقلانی، استفاده از شیوه جدل برای ارشاد و هدایت نظم منطقی مباحث و سامانه علمی، الزام طرف مقابل به پذیرش اشتباه خود و توجه به فرایض در وقت خود حتی در اوج مناظره‌ها، از دیگر مختصات مناظره‌های امام است (تقی‌زاده و رضاداد، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۲۲).

ناکام گذاشتن اهداف مأمون از دیگر اهداف امام بود. می‌توان گفت مأمون، خلیفه عباسی، اهداف متعددی از برگزاری این جلسه‌های مناظره داشت:

اینکه خود را مسلمانی طرفدار علم و دانش نشان دهد، نوعی سرگرمی برای مردم در برابر مشکلات اجتماعی و خفقان سیاسی درست کند، جلب افکار اندیشمندان و متفکران جامعه اسلامی به سوی خود و تقویت پایگاه حکومت، مقابله و رویارویی با مکتب علمی اهل بیت، اثبات شایستگی خلافت عباسی بر سرزمین‌های آن زمان (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۳).

مأمون با برگزاری این جلسه‌ها سعی در آزمودن امام و به شکست واداشتن ایشان در رویارویی با علمای دیگر ادیان داشت. البته مأمون در بیشتر این مناظره‌ها ابتدا بر مقام علمی و شخصیت امام تأکید می‌کرد، اما هر بار که امام از مناظره‌ها پیروز بیرون می‌آمد، مناظره دیگری را ترتیب

می‌داد. در نهایت، این چالش به فرصتی بزرگ برای امام به منظور اثبات حقانیت و احیای اسلام، موجب شدن مدعیان گوناگون، اثبات برتری و حقانیت ائمه اهل بیت و پیروان و شیعیان آنها منجر شد. «در واقع در پی این مناظره‌ها بود که یکی از پویاترین کانون‌های اسلامی، به‌ویژه شیعی در خراسان پا گرفت و در دوره‌های بعد به ایفای نقش حیاتی در پاسداری از اسلام، تشیع و ترویج آن پرداخت» (اسدی، ۱۳۸۷: ۸۷).

از طرفی اصول استنتاجی مطرح شده در مناظره‌های حضرت مؤید این امر است که مناظره و روند به کارگیری آن برای ایجاد فهم مشترک از مسائل، آگاهی‌بخشی و ایجاد نگرش توأم با عقلانیت است و از طرف دیگر، «روش مناظره‌های آن حضرت اساساً از نظر علمی و روایی، بیشترین تأثیرات آموزشی را بر طرف مناظره خود می‌گذاشت. این روش بر سه پایه استوار بود: دعوت به پرسش، همگام شدن با مخاطب، هدایت مخاطب در مواقعی که با بن‌بست فکری مواجه می‌شود» (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۲۰).

از دیگر ثمرات این مناظره‌ها «آشکار شدن علم لدنی امام، آگاهی و احاطه امام بر متون اصیل و تحریف نشده کتب آسمانی ادیان ابراهیمی، تسلط و آگاهی امام بر زبان‌های اقوام دیگر، آگاهی امام از همه ادیان و مکاتب است» (مردانی نوکند، ۱۳۹۱: ۲۰-۱۷).

چارچوب‌های اندیشه‌ای و رویه‌های هدفمند امام رضا(ع) از طریق گفتار سخنان، مواعظ و خطابه‌های ایشان در راستای معرفت‌افزایی دانشمندان سایر مذاهب و هدایت و جذب آنان به سوی اسلام با مد نظر قرار دادن سیاست هدایت جامعه و نیز روشنگری و تسویه افکار عمومی بر ضد حکومت ظالمانه عباسی است. چراکه در بسیاری از موارد دانشمندان از طریق حکومت عباسی به بحث و جدل با امام رضا(ع) اقدام می‌کردند و به‌واقع این امر، بخشی از سیاست مزورانه این حکومت غاصب برای خدشه‌دار کردن محبوبیت امام رضا(ع) بود (آقا سیدمحمد قاری، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴).

روش تحلیل گفتمان

تحلیل‌های گفتمانی در مطالعه‌های اسلامی طی سالیان اخیر رواج بسیاری یافته است. اگرچه درباره‌ی به کارگیری روش‌های تحلیل گفتمان دیدگاه واحدی وجود ندارد و برخی پژوهشگران بر وجوه سازگار و ناسازگار آن با اندیشه‌ی اسلامی پرداخته‌اند (بهروزی لک، ۱۳۸۸: ۵۸۱-۵۳۹)، به باور نگارنده آنچه از انواع گوناگون تحلیل‌های گفتمانی می‌توان بهره گرفت و فاقد بسیاری از محدودیت‌های متصور در این روش است، تمرکز بر زبان و متن، واژگان و فضای حاکم بر روابط واژگان است. از این رو، در این مقاله با در نظر گرفتن برخی ملاحظه‌ها، از روش تحلیل انتقادی گفتمان بهره گرفته‌ایم.

اصطلاح «تحلیل گفتمان» در زبان‌شناسی را نخستین بار زلیک هریس به کار برد. هریس زبان‌شناسان را به دلیل آنکه می‌خواهند در محدوده‌ی جمله به دستور زبان مؤثر دست یابند، نقد کرد. او تحلیل گفتمان را برای تحلیل متن بالاتر از سطح جمله به کار برد. مطالعه‌ی واحدهای کوچک‌تر از جمله، وظیفه‌ی دستور زبان و مطالعه‌ی واحدهای بزرگ‌تر از جمله، موضوع تحلیل گفتمان است. در مجموع، زبان‌شناسان در بحث از تحلیل گفتمان دو دیدگاه را مطرح می‌کنند: نخست دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی و تحلیل واحدهای بزرگ‌تر از جمله را تعریف می‌کند؛ دوم دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان می‌داند.

سارا میلز در کتاب مشهور خود *گفتمان* این رویکردهای زبان‌شناسانه به گفتمان را به شکل روشن‌تری چنین بیان می‌کند «گفتمان، جزء یا قطعه‌ی گسترش‌یافته‌ی متن است که واجد شکلی از سازمان درونی، یکپارچگی یا انسجام است» (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷) و در رویکرد دیگر «بافتی که پاره‌گفتارهای خاص در بستر آن به وقوع می‌پیوندد، گفتمان را تعریف می‌کند (گفتمان مذهبی، گفتمان تبلیغات). این بافت‌ها یا زمینه‌های تولید متون، شاکله‌های درونی متون خاص تولید شده را تعیین خواهد کرد» (تاجیک، ۱۳۸۷: ۸۴).

البته در این مقاله توجه به این ظرفیت تحلیل گفتمان مدنظر است، چراکه به نظر می‌رسد شناخت زبان و ساختار کلامی امام در مناظره‌ها درس‌آموز است و می‌توان با تحفظ‌هایی از

ظرفیت‌های این روش تحلیل، متناسب با منزلت امام بهره گرفت. در عین حال، در تحلیل کلی در ترویج گفتمان امامت در تمایز با گفتمان غیراسلامی و غیرولایی درخور توجه است. گفتمان، چارچوب و نظام معرفتی است که از طریق زبان عمل می‌شود. گفتمان، ترکیب دانش و قدرت است. به عبارتی، گفتمان نوعی دانش و معرفت را تولید می‌کند که به استقرار و استمرار مناسبات قدرت بیاید. هر دانشی برخاسته از مناسبات قدرت و در عین حال گسترش و تثبیت آن مناسبات است.

یکی از رویکردهای گفتمانی که به تحلیل رخدادهای اجتماعی - سیاسی می‌پردازد، تحلیل انتقادی گفتمان است. بنیاد تحلیل انتقادی گفتمان را می‌توان در زبان‌شناسی انتقادی یافت. نگرش‌های جدید افرادی همچون فوکو بر گفتمان و زبان افراد فوق تأثیر گذاشت و آنها پایه‌های نگرش انتقادی به زبان را بنا نهادند. این افراد نقطه اشتراک خود با دیگر تحلیلگران گفتمان را تأکید هر دو گروه بر متون و بافت‌های آن می‌دانند، با این تفاوت مهم که تحلیل انتقادی گفتمان «از طریق غیرطبیعی‌سازی کنش‌های گفتمانی و متون یک جامعه، یعنی با شفاف و قابل رؤیت ساختن آنچه در گذشته ممکن بود نامرئی و به‌ظاهر طبیعی جلوه کند» عمل می‌کند و تحلیل‌گران انتقادی گفتمان «سعی دارند تا درهم تنیدگی کنش‌های گفتمانی - زبانی را با ساخت‌های سیاسی - اجتماعی در سطح گسترده‌تر قدرت و حاکمیت به تصویر بکشند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

در میان رویکردهای گوناگون به تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان به پنج ویژگی مشترک رسید: نخست اینکه در تحلیل گفتمان انتقادی، فرایندها و ساختارهای اجتماعی - فرهنگی تا حدودی خصلت زبانی و گفتمانی دارند؛ دوم اینکه گفتمان هم سازنده است و هم ساخته شده؛ سوم اینکه کاربرد زبان باید به نحو تجربی و درون بستر اجتماعی خودش تحلیل شود؛ چهارم اینکه گفتمان، کارکردی ایدئولوژیک دارد و سرانجام اینکه تحلیل گفتمان انتقادی خود را به لحاظ سیاسی بی‌طرف نمی‌داند (آن‌طور که علم اجتماعی عینیت‌گرا خود را بی‌طرف می‌داند)، بلکه خود را رویکردی انتقادی به شمار می‌آورد که به لحاظ سیاسی متعهد به تغییر است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۵ - ۱۱۰).

امروزه سه گرایش مهم در تحلیل انتقادی گفتمان وجود دارد که یکی از چهره‌های اصلی این رویکرد ون‌دایک است. ون‌دایک بر نقش شناخت در تحلیل انتقادی گفتمان، شناخت و اجتماع، مثلثی را شکل داد که مبنای رویکرد متمایزش به تحلیل انتقادی گفتمان، یعنی رویکرد اجتماعی-شناختی شد. او گفتمان را در معنای عام، رویدادی ارتباطی در نظر می‌گیرد مانند: تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی و چندرسانه‌ای دیگر مرتبط با دلالت معنایی. شناخت مرتبط است با شناخت فردی و اجتماعی، باورها و اهداف و همچنین ارزیابی‌ها و احساسات. اجتماع هم شامل خرده‌ساختارهای محلی تعاملات رودرروی موقعیت‌مند می‌شود و هم شامل ساختارهای همگانی‌تر سیاسی و جمعی که به صورت گوناگون در قالب گروه‌ها، روابط گروهی (مانند سلطه و نابرابری)، جنبش‌ها، نهادها، سازمان‌ها، فرایندهای اجتماعی، نظام‌های سیاسی و خصوصیات انتزاعی‌تر جوامع و فرهنگ‌ها تعریف می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۸).

ون‌دایک ایدئولوژی را بحثی بنیادی در رابطه بین گفتمان و جامعه می‌داند و برخلاف برداشت غالب مارکسیستی از ایدئولوژی، آن را به گروه‌های حاکم در جامعه محدود نمی‌داند و گروه‌های تحت سلطه را صرفاً فریب‌خوردگان ایدئولوژی تلقی نمی‌کند و امکان طراحی ایدئولوژی مقاومت در میان آنان را نادیده نمی‌گیرد. ون‌دایک تحلیل انتقادی گفتمان را نوعی پژوهش میان‌رشته‌ای می‌داند که رشته‌هایی همچون: جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، ارتباطات و... را دربرمی‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۷: ۸۹).

طراحی مدلی برای چارچوب نظری مستلزم توجه به رابطه سه‌گانه بافت، شناخت و گفتمان است. گفتمان پدیده‌ای است که سه جنبه اصلی دارد: کاربرد زبان، شناخت و تعامل در بافت‌های اجتماعی-فرهنگی. گفتمان، تجلی‌بخش، بیانگر و شکل‌دهنده بسیاری از ویژگی‌های مرتبط با موقعیت اجتماعی-فرهنگی‌ای است که ما آن را «بافت» می‌نامیم. اگر مشخصه‌ای از بافت و جامعه به طور کلی بر گفتار و نوشتار تأثیر بگذارد (و برعکس)، مسلماً آن مشخصه «قدرت» است (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۴۸).

مسیر نظری که در آثار ون‌دایک از ایدئولوژی به گفتمان می‌رسد به این ترتیب شکل گرفته که معانی گفتمانی، از مجموعه‌ای از مدل‌های ذهنی منتج می‌شود که به وسیله مدل‌های زمینه‌ای کنترل می‌شود. این مدل‌ها دربرگیرنده نظرات شخصی و اجتماعی درباره رویدادها هستند. عقاید اجتماعی ممکن است بر اساس اندیشه‌های مشترک گروهی شکل گرفته باشد که به سازمان‌دهی رویدادها و زمینه‌های خاص کنش‌ها اقدام می‌کند. در کل، چنین نظامی از اندیشه‌ها، بازنمایی‌های ذهنی هستند که به شکل طرح‌واره‌ها، ابعاد اصلی حوزه اجتماعی گروه (هویت، کنش‌ها، اهداف، موقعیت‌ها، ارزش‌ها و منابع) را طبقه‌بندی می‌کنند و به گزینش‌های منفعت‌گرایانه از ارزش‌هایی دست می‌زنند که پایه و اساس ارزیابی کنش‌های اجتماعی اعضای گروه است.

معانی به اشکال گوناگون در ساختارهای سطحی متون بیان می‌شوند. مواردی مانند «انسجام واژگان، عبارت‌ها و ساختار جمله، رده‌بندی‌های نحوی، نحوه چینش واژگان، آهنگ گفتمان، سازه‌های گرافیکی و سازمان آبرساختارها در طرح‌واره‌های رایج مانند ساختارهای روایت، استدلال یا گزارش‌های خبری از این دست هستند» (Van Dijk, ۱۹۹۸: ۴۵).

بنابراین، بسیاری از ساختارهای معنایی و عقاید ضمنی آنها از بررسی ساختارهای سطحی به وجود می‌آید. همزمان باید معانی به حاشیه رانده شده را نیز بررسی کرد و معانی ناشی از غیاب آنها را نیز مد نظر قرار داد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

یکی از مراحل اساسی در تحلیل گفتمان انتقادی، عملیاتی کردن مباحث نظری یا به عبارتی، تعیین متغیرها به منظور تحلیل متن و گفتمان است. مسئله اصلی این است که تحلیل گفتمان انتقادی چگونه ادعاهای نظری خود را به ابزارها و روش‌های تحلیلی تبدیل می‌کند؟ به طور خاص، میانجی‌گری میان نظریه‌ها و مفاهیم کلان و موارد و مصادیق ملموس و عینی که هسته و کانون تحلیل در تحلیل گفتمان انتقادی را تشکیل می‌دهد مورد تأکید است.

از آنجایی که این پژوهش با استفاده از دیدگاه‌ها و شیوه تحلیلی ون‌دایک سامان یافته، متغیرها و مقوله‌هایی که وی در تحلیل گفتمان انتقادی و متون رسانه‌ای از آنها استفاده کرده برای تحلیل

به کار رفته که عبارت‌اند از: واژگان، استعاره، کنایه، اغراق و بزرگ‌نمایی، حُسن تعبیر، تخفیف دادن و جابه‌جا کردن، منافع، نقل قول، ناگفته‌ها، چشم‌انداز (منظر)، انسجام کلی (درون‌مایه‌ها)، قطب‌بندی، پیش‌فرض‌ها، معانی ضمنی و تأکید ساختاری.

به منظور رعایت اختصار و با توجه به شأن امام معصوم و تناسب با موقعیت ایشان که اجل از همسان‌سازی با روش‌های غیراخلاقی غیریت‌سازی در گفتمان‌های بشر غیرمعصوم است، در تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا(ع) از میان این مقوله‌ها صرفاً از مقوله‌های واژگان، چشم‌انداز، استعاره، انسجام تاریخی، نقل قول و تأکید ساختاری بهره گرفته‌ایم.

تعریف مقوله‌ها و متغیرها

۱. واژگان^۱: واژگان نقش بسیار مهمی در گفتمان دارند. واژگانی که گوینده یا نویسنده به کار می‌برد دقیقاً با قدرت، موقعیت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی او یا به عبارت دقیق‌تر، با وزن اجتماعی او سنجیده می‌شود. اینکه فرد چه واژه یا کلمه‌ای را برای بیان مقصودش برمی‌گزیند، تا حد بسیار زیادی به موقعیت شخصی، اجتماعی و سیاسی او بستگی دارد. از آنجا که بسیاری از این موقعیت، ایدئولوژی‌بنیاد است تجلی واژه‌ها در گفتار و نوشتار، دیدگاه و عقاید وی را درخصوص موضوع مورد بحث نشان می‌دهد.

گونه‌های مختلف گفتمان با توجه به موضوع، هدف و عوامل دیگر با انواع واژگان خاص تجانس دارد. تحلیل عناصر واژگانی، شناخته‌شده‌ترین راه مطالعه اندیشه‌هاست که ممکن است برای بیان قضاوت ارزشی به کار رود. «برخی از واژه‌ها به شکل طبیعی برای بیان یک نظر به کار می‌روند؛ مانند: زشت، زیبا و...، اما برخی دیگر به نظام‌های ارزشی - معرفتی پنهان در پیش‌فرض‌ها بستگی دارند؛ مانند: مسلمان، کافر و...» (Van Dijk, ۱۹۹۸: ۳۱). واژگان انتخاب شده بیان‌کننده ارزش‌ها و نُرْم‌ها هستند و برای قضاوت ارزشی استفاده می‌شوند.

^۱. Lexical items

۲. استعاره^۱: استعاره یکی از راه‌های انتقال معناست. در استعاره، رابطه میان چیزها از راه قیاس مطرح می‌شود. یکی از رایج‌ترین صور استعاره، تشبیه است که در آن مقایسه‌ای مطرح می‌شود و از شباهت سخن به میان می‌آید.
۳. نقل قول^۲: نقل نوشتار یا گفتار شخص حقیقی یا حقوقی، مستقیم یا غیرمستقیم به منظور مستند کردن متن و مجاب کردن مخاطب.
۴. چشم‌انداز (منظر)^۳: هر متنی از چشم‌انداز و منظری خاص سخن می‌گوید؛ چشم‌اندازهایی مانند: حق، مؤمن و... در متن می‌توان دریافت که نویسنده از چه منظری به قضایا می‌نگرد.
۵. انسجام کلی (درون‌مایه‌های متن)^۴: انسجام کلی از طریق آنچه سرفصل و درون‌مایه‌های متن می‌انگاریم، بیان می‌شود. سرفصل‌ها از نظر مفهومی خلاصه متن هستند و مهم‌ترین اطلاعات آن را مشخص می‌کنند. از لحاظ نظری، سرفصل‌ها حکم کلان گزاره‌های معنایی را دارند.
۶. تأکید ساختاری^۵: بر کنش‌ها و عقاید منفی «دیگران» و کنش‌ها و عقاید مثبت «خود» تأکید می‌شود.

واژگان

یکی از عوامل توفیق امام در مناظره‌ها، بهره‌گیری ایشان از زبان دینی معتقدان به ادیان دیگر بود. واژگانی که امام به آنها استناد می‌کرد چون به زبان و منبع اصلی به کار می‌رفت، در زبان‌های مختلف و غیر زبان عربی، در اختلاف برداشت‌ها جای تردید نمی‌گذاشت و تکیه بر بار معنایی هر واژه در سپهر معنایی و زبان هر دین به نحوی استفاده می‌شد که جای هیچ شکی باقی نمی‌گذاشت، چراکه در غیر این صورت، ممکن بود این شبهه به وجود آید که واژه خاص در

1. Metaphor
2. Quotation
3. Perspective
4. Global Coherence
5. Structure Emphasis

زبان عربی، عبری یا زبان‌های دیگر با مفهوم و معنای آن واژه در عربی متفاوت است، اما امام با آنها دقیقاً با واژگانِ مصرح در کتب مقدس هر آیینی مناظره می‌کردند.

واژگانی که امام از آنها استفاده می‌کرد تا حد زیادی پاسخ به پرسش‌های مناظره‌کنندگان بود. نگاهی به مناظره‌های امام با نمایندگان سایر ادیان نشان می‌دهد که موضوع‌های مناظره بر توحید و نبوت متمرکز بوده است و این امر دامنهٔ واژگانِ پرتکرار در مناظره را به خود معطوف می‌کرد؛ چنان‌که امام در مناظره با جاثلیق از واژگانی چون «حقانیت» برای اثبات ترجیح اسلام بر سایر ادیان به دلیل توصیهٔ ادیان پیشین استفاده می‌کند و ایمان به پیامبر خاتم و پذیرش معجزهٔ او، یعنی همان عاملی که اعتقاد به پیامبران پیشین را برای طرف مناظره مدلل می‌کرد.

ابطال اعتقاد به الوهیت عیسی(ع) و شهادت به پیامبر اسلام با تعبیر «فارقلطیا» به چشم می‌خورد. این واژگان که جملگی ریشهٔ وحیانی دارد، از آن رو از جانب امام به کار رفتند که طرف مناظره منبع آنها را قبول داشت. از این نظر واژگانی که در ادیان ابراهیمی متداول است به کار رفته. این ویژگی در مناظرهٔ امام با رأس‌الجالوت، بزرگ یهودیان، هم دیده می‌شود. در اثبات حقانیت پیامبر اسلام نیز امام با تعبیری مانند: نور و فارقلطیا که از سوی عالم یهودی پذیرفته بود، به بشارت پیامبران پیشین به خاتم انبیا استناد و از قرآن به منزلهٔ منبع اسرار انبیا یاد کردند.

امام در مناظره با بزرگ زرتشتیان از اعتدال و انصاف در مناظره سخن گفتند. اینکه خداوند نور است و واحد و یگانه و بی‌نیاز. در این مناظره هم امام بر معجزه که استناد عالم زردشتی برای اعتقاد به وی بود، استفاده و تصریح کردند که اگر صرف معجزه، دلیل ایمان به زردشت است پس نباید به همین دلیل از ایمان به پیامبر اسلام طفره رفت. در مناظره با سلیمان مروزی هم امام بر مشیت و علم الهی، سمیع و بصیر بودن امام و اراده و فعل خداوند سخن گفتند؛ واژگانی که در قلمرو اثبات توحید و سنت‌هایی مانند «بداء» در افعال خداوند معنا می‌یابد.

می‌توان گفت واژگانی که امام از آنها استفاده می‌کردند همگی در خدمت اثبات توحید حقیقی و حقانیت اسلام و پیامبر خاتم بود.

استعاره

امام در مناظره با جاثلیق و رأس‌الجالوت از قول کتاب/شعیا برای اثبات حقانیت پیامبر اسلام از استعاره و تشبیه بهره بردند. ایشان فرازی را یادآوری کردند که اشعیا گفت: «من کسی را دیدم که بر درازگوشی سوار است و لباس‌هایی از نور بر تن کرده (اشاره به عیسی) و کسی را دیدم که بر شتر سوار است و نورش مثل نور ماه (اشاره به پیامبر اسلام)» که هر دو تأیید کردند اشعیا چنین سخنی را گفته است.

امام در مناظره با جاثلیق و رأس‌الجالوت نیز از تشبیه و مقایسه بهره گرفتند. در رد ادعای جاثلیق که به دلیل معجزه‌های عیسی(ع) برای وی الوهیت فائل بود، کار عیسی را به کار یسع و ابراهیم(ع) مقایسه، تشبیه و استدلال کردند که اگر مبنای استدلال جاثلیق برای ادعای خداوندی عیسی معجزه باشد، چرا به خداوندی پیامبران پیشین که آنان نیز مردگان را زنده می‌کردند و بیماران را شفا می‌دادند اعتقاد پیدا نمی‌کنند؟ و جاثلیق ناچار به پذیرش وحدانیت خداوند و نفی الوهیت عیسی می‌شود.

در امر اثبات حقانیت پیامبر اسلام در مناظره با رأس‌الجالوت وقتی از وی می‌پرسند دلیل اعتقاد وی به پیامبری موسی(ع) چیست، بزرگ یهودی بر معجزه‌های موسی(ع) استناد می‌کند و امام رضا(ع) نیز با تشبیه و مقایسه موسی(ع) با پیامبران دیگر می‌فرمایند آنان نیز معجزه داشتند به‌خصوص عیسی(ع) و پیامبر اسلام. سپس علت ایمان نیاوردن یهودی را جو یا می‌شوند که وی در می‌ماند.

عین این استدلال را به نحو دیگری در مناظره امام با بزرگ هیربدان، نماینده زردشتیان، می‌بینیم. در این مناظره امام از بزرگ هیربدان می‌پرسند: چرا زردشت را پیامبر می‌دانی؟ که وی نیز همانند جاثلیق و رأس‌الجالوت به کارهای خارق‌العاده زردشت استدلال می‌کند، درحالی‌که وی نیز آنها را ندیده و از اخبار پیشینیان آن را پذیرفته است. اینجا نیز امام با تشبیه و مقایسه زردشت با دیگر پیامبران استدلال می‌کنند که اگر صرفاً بر اساس معجزه‌ها و کارهای خارق‌العاده‌ای که آن‌ها هم نه مستقیم، بلکه از طریق اخبار از زردشت به تو رسیده به وی ایمان داری، پس چرا به دلیل همین معجزه‌ها به دیگر پیامبران ایمان نمی‌آوری؟ پاسخی از بزرگ هیربدان دریافت نمی‌کنند و وی ناچار ساکت می‌شود.

درحالی‌که معجزه پیامبر، یعنی قرآن برخلاف معجزه‌های دیگر پیامبران (که اثرش از بین رفته) همچنان ابعاد اعجازبرانگیزش برجاست. در مناظره امام با سلیمان مروزی، ادعای سلیمان در ردّ بدأ را به ادعای یهود تشبیه کردند که آنها نیز مدعی بودند دست خدا بسته است و دگرگونی در نظر خداوند ایجاد نمی‌شود. سلیمان که از این تشبیه به یهود جا خورده بود، از سخن خود برگشت و به بداء باور پیدا کرد.

امام با تشبیه ادعای سلیمان مروزی به قول یهود که در آن آمده است آنها مدعی‌اند «یدالله مغلوله» یعنی دست خدا بسته و دگرگونی در نظر ایشان ایجاد نمی‌شود، از قرآن نقل قول کردند که «غلت ایدیهم و لعنو بما قالو» یعنی دست آنها بسته باد و به خاطر این سخن از رحمت خدا دور باد.

امام در مناظره با عمران صابئی نیز از تمثیل بهره بردند. وقتی عمران صابئی از حضرت پرسید آیا چنین نیست که خداوند پیش از آفرینش موجودات خاموش بود و سخن نمی‌گفت و سپس تکلم را آغاز کرد؟ امام رضا(ع) در پاسخ فرمود سکوت وقتی معقول است که پیش از آن نطقی صورت گرفته باشد. مثلاً گفته نمی‌شود چراغ ساکت است و سخن نمی‌گوید. همچنان‌که گفته

نمی‌شود چراغ با اراده خویش به ما روشنایی می‌دهد، زیرا روشنایی فعل ارادی صادر شده از آن نبوده و چراغ هویتی افزون بر خود ندارد. وقتی روشن شد، می‌گوییم چراغ روشن است و ما از روشنایی آن برخوردار می‌باشیم (تقی‌زاده و رضاداد، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

چشم‌انداز

چشم‌اندازی که امام در مناظره‌هایشان با طرف‌های مناظره سخن می‌گویند، امام معصومی را نشان می‌دهد که درصدد هدایت، روشنگری و اثبات حقانیت اسلامی در روایت صحیح و به دور از پیرایه‌ها و برداشت‌های ناصواب است. امام با تکیه بر استدلال، منطق و استناد به کتاب‌های مقدس ادیان غیراسلامی و یا قرآن کریم در مناظره با مسلمانان درصدد معرفی و روایت جایگاه واقعی امام معصوم است که شایسته‌ترین فرد برای ادامه راه پیامبر خاتم محسوب می‌شود.

شاید بتوان گفت ابراز و اثبات هویت اصیل امامت در مناظره‌های امام رضا(ع) با دیگران، جایگاه امامت را از پارادایم اسلامی به پارادایم دینی ارتقا داد و نه تنها حقانیت روایت شیعی از اسلام را به اهل سنت و جریان‌های کلامی منحرف به ثبوت رساند، بلکه باعث بطلان انکار حقانیت اسلام از سوی بزرگان دینی مسیحی، یهودی، زردشتی و یحیوی نیز شد.

چنین چشم‌اندازی از امامت، روایتی جهان‌شمول از امامت ارائه می‌کند و اگر همه افرادی که در مناظره‌ها شکست از امام را پذیرفتند، وجدان بیداری می‌داشتند و پیروانشان را به حقانیت امام رضا(ع) معتقد می‌کردند؛ شاید تاریخ اسلام و تشیع مسیر دیگری می‌پیمود. به هر حال، چهره‌ای که از امام در مناظره‌ها به نمایش می‌گذارند، نه همانند برخی مناظره‌های سیاست‌مداران با تخفیف و تحقیر طرف مقابل همراه است و نه با شادی و شغف ناشی از شکست دادن حریف در میدان کلام. چنین روشی آموزه‌های تربیتی و اخلاقی فراوانی به همراه دارد.

البته در مواردی هم که طرف مناظره حقانیت امام و کلام ایشان را باور داشتند و به اسلام حقیقی می‌گرویدند، با اکرام و احترام خاص امام مواجه می‌شدند. البته چنین رویه‌ای درباره معاندان که حتی با قبول شکست بر عقیده و آیین باطل خود پابرجا می‌ماندند، در تاریخ گزارش نشده است. قبل از آغاز مناظره‌ها، مأمون در مقام اداره‌کننده جلسه، در صدد معرفی و شناساندن امام برمی‌آمده و البته به جز اعتراف به اینکه عالم‌ترین فرد بنی‌هاشم است، حق امام را در معرفی ادا نمی‌کرده، زیرا اصلاً هدف مأمون از برگزاری چنین مناظره‌هایی یافتن فضایی بوده که حتی الامکان بتواند به تضعیف جایگاه امام پردازد که البته همیشه نتیجه برعکس بود.

آنچه امام در مناظره‌های خویش در بصره در توصیف امام آوردند، به منزله کسی است که شایسته ادامه دادن راه پیامبر و نشان‌دهنده چشم‌اندازی است که امام از آن جایگاه خود را در مناظره‌ها روایت می‌کنند؛ چنان‌که امام برنامه‌های پیامبر را ادامه می‌دهد و در قالب مناظره‌ها هم شأن تبلیغ اسلام را ادا می‌کنند، هم دعوت به خرد و حقیقت، دانش و آگاهی خویش بر مطالب کتب آسمانی دیگر را نشان می‌دهند و هم عالم بودن به زبان‌های دیگر اقوام. در عین حال، عظمت، رحمت، انصاف، گذشت، راستگو بودن، رحیم و با مروت بودن نیز در مناظره‌های امام متجلی است.

امام ضمن معرفی امام، عقاید غلوکنندگان را هم رد می‌کنند؛ چنان‌که از قول پیامبر فرمودند ما را بالاتر از آنکه حق ماست بالا نبرید «لَا تَرْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي فَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخَذَنِي نَبِيًّا». امام با استناد به آیه‌های قرآن از جمله «وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا» و روا نیست به شما فرمان دهد که فرشتگان و پیامبران را ارباب خود گیرید (آل عمران / ۸۰)، عقاید کسانی را که امام یا پیامبر را تا حد خدایی بالا می‌برند رد می‌کند (صدوق، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۲۰۱).

با اینکه امام رضا(ع) در زمان برگزاری مناظره‌ها ولایتعهدی را بر عهده داشتند، دقت در مباحث و گفتگوهای ایشان در زمان پذیرش تحمیلی ولایتعهدی و نیز قبل و بعد از مناظره‌ها، کمترین اثری از اینکه امام خود را در این موضع در برابر مناظره‌کنندگان فرض کرده باشند نشان نمی‌دهد؛ چنان‌که هنگام پیشنهاد خلافت ولایتعهدی از جانب مأمون به ایشان فرمودند: اگر به‌راستی خلافت از آن توست و خدا آن را برای تو قرار داده، پس روا نیست آن را از خود دور کنی و لباسی را که خدا بر تن تو پوشیده از تن درآوری و به تن دیگری بپوشانی و اگر زمامداری حق تو و سزاوار تو نیست، روا نیست آنچه به تو تعلق ندارد به من ببخشایی (همان: ۱۳۹).

اکراه امام در پذیرش ولایتعهدی تحمیلی پس از تهدید مأمون صورت گرفت؛ البته امام با نقل شواهدی مانند پذیرش مسئولیت از جانب حضرت یوسف(ع) آن را مدلل می‌کردند (ترابی، ۱۳۸۰: ۵۶-۵۴).

انسجام کلی

در مناظره‌های امام رضا(ع) نقطه آغاز و پایان بحث مشخص و از انسجام و نظم منطقی اقناع‌کننده‌ای برخوردار است؛ طوری که طرف مناظره را کاملاً از حیث استدلال‌ها تخلیه و قانع می‌کند و جای تردیدی برای وی باقی نمی‌گذارد. البته نمود و جلوه انسجام کلی در مناظره‌های امام آن گاه که ایشان بدون بهره‌گیری از ادله نقلی به استدلال‌های عقلی رو می‌آورند بیشتر نمایان است، چراکه در گفتگو با نمایندگان ادیان دیگر، غیر از اسلام یا مسلمانان دارای دیدگاه‌های انحرافی، استناد به کتاب آسمانی دیگر ادیان یا استناد به قرآن کریم درباره مسلمانان برهان قاطع محسوب می‌شود.

البته در درک تقدم و تأخر نزول آیه‌ها و شناساندن مفاد حقیقی آیه‌های کتب اهل کتاب، این توجه به انسجام و اتقان منطقی آیه‌ها نیز مورد استناد امام رضا(ع) قرار گرفته است، اما به هر

روی در مباحثی مانند مناظره امام با عمران صابئی درباره اوصاف خداوند یا در مناظره با سلیمان مروزی، نظم و انسجام منطقی حکم فرماست. امام بحث را از اصول پذیرفته شده عقلی سلیمان آغاز می‌کنند و سرانجام وی را به تفاوت میان علم و ذات خدا از یک سو و تفاوت میان علم و اراده از سوی دیگر رهنمون می‌شوند.

واقعیت دیگری که به مناظره‌های امام انسجام می‌دهد، طرح پرسش و پاسخ است؛ به این ترتیب که به شکل مشخص و معین سؤالی را از طرف مقابل مطرح می‌کنند یا از طرف مقابل می‌خواهند سؤال مشخص خود را مطرح کند. حتی اگر طرف مقابل چند سؤال را مکرر پشت سر هم بیان کند، پاسخ دقیق و یک به یک به پرسش‌ها و اقناع طرف مقابل، انسجام و نظم خاصی به مناظره‌ها می‌بخشد.

جلوگیری از درهم‌ریختگی پرسش‌ها، تعریض‌ها و حاشیه‌روی‌ها نیز مسیر مناظره‌ها را به سمت نظم و نتیجه مشخص سوق می‌دهد. ضمن اینکه اغلب این مناظره‌ها در حضور جمع و در دربار مأمون برگزار می‌شده و به نوعی اداره جلسه را مأمون - که میزبان و دعوت‌کننده این مناظره‌ها بوده - عهده‌دار می‌شده و اگر در مواردی هم برخلاف اصول عقلی یا نقلی، یکی از طرفین مناظره خلاف بین و برهانی مرتکب می‌شد، با واکنش منفی و جدی حاضران مواجه می‌شد و این امر خود به نوعی نظم و انضباط خاصی را بر مناظره‌ها حکم فرما می‌کرده است.

در پیش گرفتن مناظره تک به تک از سوی امام باعث تمرکز فرد در ارائه پیام و مانع از طرح مسائل جانبی از سوی ناظران می‌شود. همچنین، ارائه منبع و مرجع معتبر در طرح سؤال، پاسخ و در کل بحث، نیاز اصلی مناظره علمی، مستدل و منسجم است؛ شیوه‌ای که امام رضا(ع) در پیش می‌گرفتند (سپنجی و مؤمن دوست، ۱۳۹۰: ۲۱).

نقل قول

امام رضا(ع) در پاسخ به جاثلیق، بزرگ مسیحیان، که مدعی بود من چگونه می‌توانم با کسی مناظره کنم که قدر مشترکی با او ندارم و به کتاب و پیامبرش باور ندارم، فرمودند: «ای نصرانی، اگر با انجیل خودت که به آن اعتقاد داری استدلال کنم، به حقانیت اسلام اقرار خواهی کرد؟» و جاثلیق پذیرفت. امام برای اثبات بشارت به حقانیت پیامبر اسلام در آیین مسیح به نقل قولی از یوحنا دیلمی می‌پردازد که به اذعان جاثلیق محبوب‌ترین فرد به مسیح(ع) بود. انجیل می‌گوید یوحنا گفت که حضرت مسیح(ع) مرا از دین محمد عربی باخبر کرد و بشارت داد که بعد از او چنین پیامبری خواهد آمد.

جاثلیق این نقل قول را پذیرفت، ولی منکر زمان ظهور چنین پیامبری شد و امام نقل قولی را از کتاب انجیل آوردند و از نسطاس رومی که حافظ انجیل بود خواستند سفر سوم انجیل را قرائت کند. امام هم برای بزرگ مسیحیان و هم بزرگ یهودیان (رأس الجالوت) آیه مربوط را قرائت کرد و به نام پیامبر رسید.

امام همچنین از انجیل نقل قول کردند که مسیح فرمود: «من به سوی پروردگار می‌روم و فارقلیطا (در زبان یعنی ستایش شده محمد)» و جاثلیق به چنین نقل قولی از انجیل اعتراف کرد.

امام در مناظره با رأس الجالوت برای اثبات پیامبری خاتم انبیا از مسیح(ع) نقل قولی را آوردند که فرمود: «به زودی پیامبری از فرزندان برادران شما می‌آید. سخن او را بشنوید و خلافتش را تصدیق کنید.» امام فرمودند: «آیا برای بنی اسرائیل برادرانی جز فرزندان اسماعیل وجود دارد؟» که رأس الجالوت این سخن موسی(ع) را تأیید کرد.

امام برای اثبات حقانیت پیامبر از تورات نقل قول کردند که نوری از طرف سینا آمد و کوه ساعیر را روشن کرد و از کوه فاران هویدا شد. امام نور اول را وحی به موسی(ع) و نور دوم را که به کوه فاران می‌تابد، وحی به پیامبر اسلام تفسیر کردند.

امام در مناظره با رأس الجالوت از تورات نیز سند آوردند که این کتاب مقدس نه تنها به نام پیامبر اسلام، بلکه به علی(ع) و حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین(ع) تصریح دارد. در این نقل قول امام از تورات که با شگفتی رأس الجالوت مواجه شد، نام‌های «احما، الیا، بنت احما، شبیر و شبیر» را ذکر کردند که معادل عربی این اسامی نام‌های مقدس محمد(ص)، علی(ع)، فاطمه(دختر محمد)، حسن و حسین(ع) است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷).

در مناظره امام با سلیمان مروزی، متکلم بزرگ خراسان، وقتی سلیمان بداء را انکار کرد، امام به قرآن و این آیه‌ها استناد کردند: «هو الذی یبدأ الخلق ثم یعیده» (روم / ۲۷) خداوند موجه رأساً جهان را ابداء فرمود؛ «آخرون رجون لامرالله اما یعذبهم و اما یتوب علیهم» (توبه / ۱۰۶) و «و مایعمر من معمر و لایتقص من عمره الا فی کتاب» (فاطر / ۱۱).

سلیمان که با توجه به این آیه‌ها به نوعی متقاعد شده بود، خواستار روایت‌هایی از ائمه پیشین شد. امام رضا(ع) از امام صادق(ع) نقل کردند: خداوند دو گونه علم دارد: علمی که مخزون و پنهان است و جز ذات پاکش کسی از آن آگاهی ندارد و بداء از این ناحیه حاصل می‌شود و علمی که به فرشتگان و پیامبرانش تعلیم داده و علمای اهل سنت پیامبر ما نیز از آن آگاهی دارند.

امام در مناظره با سلیمان مروزی بار دیگر به آیه‌های قرآن استناد کردند و نقل قول آوردند. سلیمان معتقد بود اراده خدا و علم خدا یکی است و اراده خدا را جزو ذات خدا و لذا ازلی می‌دانست. در حالی که امام اراده را حادث می‌دانستند، اما در رد ادعای مروزی از وی پرسیدند: «آیا خداوند به آنچه در بهشت، جهنم و دوزخ است عالم است؟» سلیمان گفت: «عالم است.» امام فرمودند: «آنچه خدا می‌داند محقق می‌شود؟» سلیمان گفت: «آری.» امام فرمودند: «با این حساب دیگر جایی باقی نمی‌ماند که اراده کند، چیزی بر آن بیفزاید یا کم کند، در حالی که قرآن می‌فرماید «کَلِمَا نَضْجَتِ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُوداً غَیْرَهَا لَیَذُوقُوا الْعَذَابَ» هر زمان پوست‌ها و آنها (دوزخیان) بسوزند پوست‌های دیگری به جای آن قرار می‌دهیم تا عذاب را بچشند (نسا / ۵۶)

و نیز می‌فرماید: «لهم ما يشاءون و لدینا مزید» (ق/ ۳۵) بهشتیان آنچه می‌خواهند برای آنها خواهد بود و نزد ما اضافه بر آن است. اینها همه نشان می‌دهد که علم خداوند غیر از اراده اوست، و گرنه این تعابیر معنا نداشت. بنابراین، اراده از صفات فعل است و حادث است و نمی‌تواند عین ذات خداوند باشد.»

استدلال امام در اثبات بقاء نه تنها در رد سلیمان مروزی که حتی در رد مدعیات اشکال‌کنندگان به شفاعت و تأثیر توسل و دعا در کاهش بلاها و مجازات اخروی انسان‌ها که مورد اشکال و هابیون است نیز به کار می‌آید.

اما بیشترین نقل قول از قرآن کریم و نیز شواهد تاریخی در مناظره‌های امام را می‌توان در گفتگوی ایشان با علی بن محمد جهم، عالم اهل سنت، یافت. وی با انکار نبوت برخی پیامبران، به ظواهر برخی آیات استناد کرد تا منکر عصمت حضرت آدم، یونس، داوود و پیامبر اسلام شود و امام با استناد به آیه «ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین» (آل عمران/ ۳۳) عصمت آدم را اثبات کردند و مستدل بیان فرمودند که اولاً بهشت مقصد آدم نبوده و به تعبیر آیت الله مکارم بهشت دار تکلیف نبوده و گناه و عصیان در آنجا نصوصی نداشته است.

درباره حضرت یونس (ع) هم معنای «لن نقدر علیه» در آیه «والذنون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه» (انبیا/ ۸۷) مجازات او نیست، بلکه مشکل گرفتن بر اوست. بنابراین، گناهی نکرده است. درباره حضرت یوسف (ع) نیز خداوند وی را از قبل، از زلیخا و عمل فحشا باز داشت، چنان‌که می‌فرماید: «کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء» (یوسف/ ۲۴). بنابراین، یوسف در اینجا هم خلاف عصمت عمل نکرده است.

درباره حضرت داوود(ع) نیز اتهام تلاش وی برای قتل یکی از سرداران سپاه وی به نام اوریا برای ازدواج با همسر وی نیز حضرت امام رضا(ع) را برآشفت و آیه استرجا را بر زبان آوردند. در پاسخ این اتهام متفکر سنی امام فرمودند قضیه از این قرار بود که در زمان داوود همسران شوهرمُرده ازدواج نمی‌کردند. تکلیف داوود این بود که این سنت را به هم بزنند. بعد که بر اثر حادثه‌ای همسر اوریا فوت کرد، داوود برای شکستن این سنت غلط با همسرش ازدواج کرد. بنابراین، داستان‌های ساختگی درباره حضرت داوود(ع) که در برخی نسخه‌های تورات هم آمده ساختگی و بی‌اساس است. چنان‌که قرآن هم بعد از این ماجرا می‌فرماید: «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی» (ص / ۲۶).

تأکید ساختاری

امام به‌خصوص در مناظره با طرف‌های درگیر در بصره که کانونی برای فتنه مذهبی و نزاع میان مسلمانان با دیگر ادیان شده بود، ابتدا با استناد به شهادت پیامبران پیشین بر حقانیت و بعثت پیامبر اسلام، اصل حقانیت اسلام را در مقایسه با دیگر ادیان به اثبات رساندند. ثانیاً با تأکید بر توانایی‌ها و شایستگی‌های خود امام که امام بعد از محمد(ص) فقط کسی است که برنامه‌های او را تداوم بخشد و زینده کسی است که با همه امت‌ها و پیروان مذاهب گوناگون با کتاب خود آنها گفتگو کند، مسیحیان را با انجیل، یهودیان را با تورات و مسلمانان را با قرآن قانع کند و عالم به جمیع لغات باشد و با هر قومی با زبان خودشان سخن گوید و علاوه بر اینها باتقوا و از هر عیب و نقصی پاک باشد. عدالت‌پیشه، باانصاف، حکیم، مهربان، باگذشت، درستکار و مدبر باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰؛ بهبودی املشی، ۱۴۰۸ق؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۴).

در یکی از این مناظره‌ها مأمون از امام درباره شأن و منزلت امامت پرسید و امام در پاسخ فرمودند: «ان الله عزوجل قد آیدنا بروح منه مقدسه مطهره لیست بملک لم تکن مع أحد ممن مضی إلا مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هی مع الأئمة منّا تسددهم و توفقههم و هو

عمود من نور بیننا و بین الله عزوجل» خداوند عزوجل ما را با روح الهی تأیید کرده؛ روح پاک و مطهری که فرشته نیست و با گذشتگان همراهی نکرده است، مگر با رسول خدا. این روح الهی با امامان از ما اهل بیت است و آنان را تأیید می‌کند و موفق می‌سازد و آن ستونی از نور است که بین ما و خدای متعال قرار دارد (صدوق، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۲۰۱). با ذکر این توصیف‌ها امام بر حقانیت خود و نفی دیگران پرداختند.

نتیجه‌گیری

مناظره‌های تاریخی امام رضا(ع) را می‌توان در چند سطح تحلیل کرد؛ از منظر اهدافی که مأمون از برگزاری آن داشت می‌توان این مناظره‌ها را برخلاف ابتکار وی برای بازنمایی خود به منزله دواستدار دانش و علم و طرفدار امام و شیعه، به عرصه‌ای برای اثبات برتری امام بر مأمون توصیف کرد. از زوایای دیگر این مناظره‌ها را می‌توان رویارویی گفتمان امامت و ولایت از یک سو و گفتمان غیراسلامی، غیرشیعی و غیرولایی از سوی دیگر ارزیابی کرد که در نهایت در عرصه بحث و گفتگو، گفتمان امامت به پیروزی رسید. اثبات خود و نفی دیگری که خصلت غیریت‌ساز گفتمان است در این عرصه بروز یافت، البته بدون توسل به شیوه‌های غیراخلاقی که از ساحت عصمت امام به دور بود.

در این مقاله تلاش کردیم تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تحلیل گفتمان انتقادی، وجوهی از مناظره‌های امام رضا(ع) با دو دسته افراد را تحلیل کنیم. این مناظره‌ها برخلاف تصمیم مأمون که می‌کوشید امام را رد کند، به مجالی برای برتری گفتمان امام تبدیل شد. برتری گفتمان اسلام حقیقی در محاجه با اهل کتاب و برتری گفتمان شیعی در رویارویی با مسلک‌های انحرافی مدعی در دایره اسلام مهم‌ترین نتیجه این مناظره‌ها بود.

نگاهی به متغیرها و مقوله‌هایی که در تحلیل گفتمان انتقادی مناظره‌ها استخراج شده نشان می‌دهد که نقل قول بیشترین تکرار و بهره‌گیری را در میان متغیرهای بررسی شده داشته است. علت این امر، قرار داشتن مناظره در قلمرو امور اعتقادی و ادعای طرف‌های مناظره امام بر حجیت کتاب‌های مقدس بود که امام بر این اساس بیشترین نقل قول را در رد عقاید اهل کتاب از کتب آسمانی آنها و بر رد عقاید برخی مسلمانان با استناد به آیه‌های قرآن صورت دادند.

بهره‌گیری از واژگان با بار معنایی ارزشی در حوزه عقاید دینی امری طبیعی در این مناظره‌ها بود، اما نکته مهم آنکه امام از کاربرد واژگانی که خود بر سازنده معنا برای آنها بوده و با بهره‌گیری از آنها در صدد تخطئه یا تحقیر و منکوب خصم برآیند، پرهیز فرمودند که اقتضای عصمت امام نیز همین است. اثبات خود و نفی دیگران، انسجام در کلام و بیان، بهره‌گیری فراوان از تشبیه و استعاره از دیگر فنون و توانایی‌های زبانی در مناظره‌های امام با دیگران بود.

به نظر می‌رسد بازشناسی این مناظره‌ها، گذشته از اینکه الگویی روشن از مناظره و رویارویی با افکار مختلف را فراروی رهنویان قرار می‌دهد، عرصه مناسبی برای شناخت ابعاد وجودی امام معصوم و نیز تأکید دوباره بر حقانیت اسلام و تشیع در عصر حاضر است و می‌تواند در گفتگوهای انتقادی و مناظره‌های شیعیان با نمایندگان ادیان و فرقه‌های مدعی اسلام به کار رود.

منابع و مأخذ

اسدی، علی، (۱۳۸۷). «کتاب مقدس و جایگاه آن در مناظرات امام رضا(ع)»، معرفت، سال هفدهم،

شماره ۱۲۹، شهریور.

اسکندری، علی، (۱۳۹۱). «دفاع عقلانی از دین در مناظرات امام رضا(ع)»، ژرفای آفتاب شمال هفتم

تابستان.

آقا سیدمحمد قاری، فاطمه سادات، (بی تا). «ابعاد معرفتی امام رضا(ع) در برخورد با دانشمندان سایر

مذاهب و ادیان» در درآمدی بر مناظره‌های امام رضا(ع)، ویراستار علمی: دکتر علی شریفی، چاپ اول،

تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

آقاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۵). «تحلیل گفتمان انتقادی»، تهران: علمی و فرهنگی.

بهبودی املشی، علی، (۱۴۰۸ق). «الخروج و البراج»، قم: مؤسسه امام المهدی.

بهروزی لک، غلامرضا، (۱۳۸۸). کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی،

در

«روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام» به کوشش علی‌اکبر علیخانی و همکاران، چاپ دوم، تهران:

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۸). *میشل فوکو و انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.

ترابی، احمد، (۱۳۸۰). «تحلیلی از عهدنامه ولایتعهدی امام رضا(ع)»، مشکوه، شماره ۷۲ و ۷۳، پاییز و

زمستان.

تقی‌زاده، حسن و علی رضاداد، (۱۳۸۶). «مناظرات امام رضا(ع) ویژگی‌ها و روش‌ها»، مشکوه، شماره

۹۴، بهار.

درخشه، جلال و سیدمهدی حسینی فائق، (۱۳۹۱). *سیاست و حکومت در سیره امام رضا(ع)*، چاپ اول،

تهران: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا(ع).

دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا وابسته به دانشگاه تهران.

سپنجی، امیر عبدالرضا و نفیسه مؤمن دوست، (۱۳۹۰). «اقناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی

امامان معصوم» مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا(ع)، دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و

ارتباطات، پاییز و زمستان.

سلطانی، علی اصغر، (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران: نی.

صدوق، علی بن بابویه قمی، (۱۳۹۰ق/۱۹۷۰). *عیون اخبارالرضا*، النجف: المطبعة الجدیدة.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: مرتضی.

قرآن کریم.

مجلسی، محمدباقر، (۱۹۸۳/۱۴۰۳). *بحارالانوار*، مجلد ۴۹، بیروت: مؤسسه الوفا.

مردانی نوکند، محمدحسین، (۱۳۹۱). «ضرورت و چیستی مناظرات و مباحثات امام رضا(ع)» در

درآمدی بر مناظرات امام رضا(ع)، ویراستار علمی: دکتر علی شریفی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه

فرهنگ، هنر و ارتباطات.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۸). «مناظرات تاریخی امام رضا(ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر»، چاپ

دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

میلز، سارا، (۱۳۸۲). *گفتمان*، ترجمه فتح محمدی، زنجان: هزاره سوم.

هاشمی اردکانی، سیدحسین و سیدابراهیم میرشاه جعفری، (۱۳۸۷). «روش مناظره علمی در سیره

آموزشی امام معصوم: مطالعه موردی: مناظرات علمی امام رضا(ع)»، دو فصلنامه علمی تخصصی

تربیت اسلامی، پاییز و زمستان. قم

هاشمی، خدیجه، (۱۳۸۷). «خردورزی از دیدگاه امام رضا(ع)»، تهران: ماهنامه پژوهشی اطلاعات

حکمت و معرفت.

ون‌دایک، تئون، (۱۳۸۷). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*، ترجمه

پیروز ایزدی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، (نشر اثر اصلی ۱۹۸۱).

یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس، (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه

هادی

جلیلی، تهران: نی.

Van Dijk, Teun A (1998). *Opinion and Ideologies in the Press, In Approaches to Media Discourse*, Edited by Allan Bell and Peter Garrett,
Blackwell Publication.
loghatnameh.org.